



۲۰۱۳/۰۸/۲۱

احمد شاه رفیقی
موسس پوهنتون غزنی

معلومات در مورد پوهنتون غزنی از یاد داشت های رئیس پیشین و بنیان گذار آن

در سال ۱۳۸۲ حامد کرزی از ولایت غزنی دیدن کرد. مردم غزنی از وی پذیرایی گرم نمودند و کمرش را بستند و وعده کردند که در هنگام انتخابات به تو رأی میدهم که رئیس جمهور قانونی ما شوی. اما از شما میخواهیم برای ما حکم ایجاد یک پوهنتون را بدهید. حامد کرزی گفت: همین حالا حکم میدهم. عریضه اهالی غزنی که قبلاً با امضاء و مهر بزرگان و موسفیدان غزنی مزین شده بود، بالای میز گذاشته شد و حامد کرزی با لبان متبسم حکم تأسیس و ایجاد یک پوهنتون را عنوانی وزارت تحصیلات عالی صادر نمود که بعداً توسط شایقان علم و ادب از قبیل مرحوم پوهاند محبی ویحیی اطهر مولایی، حاجی مولانا عبدالرحمن حکیمی، عبدالجبار شلگری و دیگران حکم رئیس جمهوری مراحل شد. پنجصد جریب زمین در (قلعه جوز واقع شرق شاهراه کابل قندهار در ۹ کیلومتری شهر غزنی) برای پوهنتون (به کمک ریاست زراعت غزنی، ریاست کادسترو انجنیران مقام ولایت) اختصاص داده شد.

وزارت تحصیلات عالی به اثر تقاضای مردم از فارغان سال ۱۳۸۶ (۲۵۰) محصل را برای دو پوهنخی زراعت و تعلیم و تربیه غزنی از طریق کانکور معرفی نمود. مردم غزنی در شهر کابل چندین بار جلسه نمودند و در باره زعامت پوهنتون جدید التأسیس غزنی به مشوره پرداختند. باری پوهاند محمد صدیق محبی علاقمندی نشان داد تا افتخار اولین رئیس و بنیانگذار پوهنتون را حاصل کند. در جلسه ایکه در زمستان ۱۳۸۶ در کارته سه در منزل ظاهره مولایی وکیل غزنی دایر شده بود به او گفتند برای اینکار به یک آدم با انرژی و جوانتر که مثل تو با تجربه باشد ضرورت است. محترم محمد صدیق محبی اولین رئیس پوهنتون کابل بود و میخواست اولین رئیس پوهنتون غزنی هم تعیین شود، ولی اعضای جلسه وی را تعیین نکردند. در جلسه روز بعد تعدادی گفتند که آقای مالستانی معاون علمی پوهنتون تعلیم و تربیه را مؤظف می کنیم تا به غزنی برود و پوهنتون را تأسیس کند. عده ای اعضای جلسه به وزارت تحصیلات عالی رفتند و اظهار نمودند که میخواهیم آقای مالستانی به غزنی تبدیل شود به حیث رئیس اعزام شود مگر چند نفر وکلای پارلمان از اینکار جلوگیری کردند و خود استادهم مشتاق ریاست نبود. بالاخره مقام وزارت در بهار سال ۱۳۸۷ محترم پوهاند سنایی امر دیپارتمنت ریاضی پوهنتون تعلیم و تربیه را برای تأسیس پوهنتون به غزنی رسماً مأمور نمود. وی با اشتیاق فراوان به غزنی رفت. با والی غزنی ملاقات نمود بعد از دو روز دوباره با دلسردی به کابل عودت نمود و استعفاى خود را تقدیم مقام وزارت کرد. هیچکس حاضر نبود از کابل به غزنی، نا امن ترین ولایت برود و با دست خالی پوهنتونی را که (۲۵۰) محصل داشت و دیگر هیچ، تأسیس کند. مردم غزنی مرا در جلسه ایکه به منظور یافتن یک شخص باتجربه و قابل اعتماد برای تأسیس پوهنتون غزنی دایر گردیده بود به غزنی دعوت نمودند. بعد از گفت و شنید زیاد همه موسفیدان و مردم شورای اجتماعی غزنه باستان از من خواهش نمودند این مسؤولیت خطیر را بپذیرم، در غیر آن ازینکه دوماه از بهار گذشته بود و هنوز پوهنتون به کار خود آغاز نکرده بود، ممکن مقام وزارت، پوهنتون غزنی را لغو کند و محصلانش را به ولایات دیگر تقسیمات نماید. حاجی حیات الله آرین گفت ما مردم غزنی به صد زحمت منظوری پوهنتون غزنی را از کرزی گرفتیم و به وزارت تحصیلات عالی قناعت دادیم که به پوهنتون غزنی محصل معرفی کند و بست های لازم را بدهد. حالا محصلان در سماوار ها و هوتل ها به انتظار آغاز پوهنتون و آمدن رئیس پوهنتون و استادان لحظه شماری میکنند. چه میشود که این مسؤولیت را بپذیری تا امتیاز داشتن پوهنتون را از دست ندهیم. گفتیم، اگر من این مسؤولیت بزرگ و مشکل را بپذیرم مراهمکاری می کنید و تنها نمی گذارید! همه وعده دادند که ما ترا حمایت میکنیم ...

رئیس شورای غزنه باستان با حاجی حیات الله، حاجی محمد امین و حاجی مولانا عبدالرحمن حکیمی مرا با خوشحالی نزد والی بردند و گفتند برای ریاست پوهنتون غزنی پوهندوی احمد شاه رفیقی شاعر و نویسنده معاصر را قانع ساختیم که به غزنی بیاید و پوهنتون را تأسیس کند. والی آنوقت «شیر خوستی» با من مصاحبه کرد و اولین سوالش این بود که (پشتو پوهیزی) کمپیوتردی زده دی؟

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکني د ليکنيزي بني پاوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

و بعد چند دقیقه به پشتو با او صحبت کردم چون دانست که لسان مادریم پشتو است و پدرم تاجک است و ماستر میباشم و کمپیوتر را یک مقدار میدانم مرا به تاسی از پیشنهاد موسفیدان غزنی به حیث رئیس پوهنتون غزنی به مقام وزارت تحصیلات عالی پیشنهاد نمود. وزیر دانشمند آنوقت «محمد اعظم داد فر» مرا به دفترش خواست و گفت: غزنی میروی؟

گفتم: اگر هدایت و حکم مقام وزارت باشد، میروم.

گفت: علت اینکه هیچ استاد حاضر نیست غزنی برود و تو میروی چیست؟

گفتم: دیگران از خاطر آن نمی روند که امنیت غزنی بسیار خراب است ولی من به این معتقد هستم که مرگ حق است. میخواهم نام خود را ثبت تاریخ کنم که اولین رئیس و بنیان گذار پوهنتون غزنی استاد رفیقی است. این برای من مهم است دوم اینکه خواهش مردم را درین وقت حساس می پذیرم و با تعهدی که دارم کارم را شروع می کنم خودت هم مرا همکاری کن. وزیر وعده همکاری داد و خیلی خوش و راضی بامن وداع کرد و مکتوب تقرر را خواست و به دستم داد (۳ جورا ۱۳۸۷). به تاریخ ۴ جوزای ۱۳۸۷ از کابل به شورای مردمی غزنی رفتم از بزرگان غزنی پنج نفر مرا بار دیگر به دفتر والی غزنی بردند. والی صاحب بسیار خوشحال شد.

گفت: استاد رفیقی چه پلان داری. گفتم: کار پوهنتون را اگر خدا خواسته باشد فردا آغاز میکنم. والی نپذیرفت و گفت یک چند وقت آماده گی بگیر! گفتم: جناب والی صاحب بسیار دیر شده حالا ۴ جورا است دوماه و ۴ روز پوهنتون های دیگر درس خوانده اند مانع کارمن نشوید من فردا پوهنتون را انشاء الله باز میکنم. گفت، نه استاد داری نه مامور نه ملازم ... گفتم والی صاحب همه چیز دارم و الی غزنی و بزرگان غزنی همه حیران بودند که استاد رفیقی چه میگوید!

والی غزنی چون اصرار و اعتماد به نفس مرا دید اجازه داد و گفت درست است از مقام ولایت ساعت ۱۱ و نیم قبل از ظهر ۴ جوزا ۱۳۸۷ بر آمدم و به ریاست زراعت رفتم خودم را معرفی کردم و از رئیس زراعت «آقای عباسیار» طلب کمک کردم اظهار همکاری نمود گفتم دوفکر که بتواند نباتات و زولوژی را درس بدهد به پوهنتون غزنی (واقع کتابخانه پارک سنایی) بفرست تا زمانی که استاد پیدا کنیم.

بعد از ظهر ۴ جوزا به ریاست معارف رفتم و خواهان دوماور خدمتی برای تنظیم امور تدریسی پوهنتون غزنی شدم. رئیس معارف باکمال خوشی ثناء الدین و محمد افضل را برای مدت یک هفته به پوهنتون غزنی طور خدمتی توظیف کرد. همان روز به دارالمعلمین رفتم. جناب جلالزی رئیس و استادان دارالمعلمین وعده همکاری نمودند. به تاریخ ۵ جوزا ۱۳۸۷ پوهنتون غزنی توسط والی و رئیس پوهنتون غزنی باقطع نوار رسماً تأسیس گردید و خبر و گزارش آن از رسانه ها نشر شد. تا مدتی مردم دسته دسته به دفتر ریاست پوهنتون غرض تبریکی و اظهار سرور و رضایتمندی می آمدند و با خود گل و چاکلیت و تحفه ها می آوردند وعده همکاری می دادند که باعث دلگرمی من میشد..

آقای عباسیار رئیس زراعت و مدیر جنگلات سر از ۵ جوزا مطابق تقسیم اوقاتی که قبلاً ساخته بودم به حیث استاد افتخاری زراعت به محصلان مدتی درس میدادند. همچنان از روز اول شروع پوهنتون انجنیر عبدالله استاد ریاضی انجنیربرات و شوبالی محمد انور استاد ثقافت اسلامی با پوهنتون غزنی عملاً همکاری خود را آغاز کردند. خودم مضمون دری را درس میدادم.

بزودی استاد جاوید احساس که از پوهنخی زراعت ولایت بامیان فارغ گردیده بود و در کابل به او موافقه داده بودم، بکار تدریس شروع کرد. بعداً استاد حبیب الله همایون اندری و استاد شفیق الله وردک را به حیث استاد مقرر کردم. به تعقیب آن جوانان غزنی هر یک (خارنوال عبدالواحد ژیان، جاوید عالمی، انجنیر سید محمد، انجنیر محمد باقر شیرزاد نطاق، انجنیربرات، سهیلا، استاد محمد رحیم نورزی، داوطلبانه به تدریس ریاضی، ثقافت و زراعت، روانشناسی و امثال اینها به کار آغاز نمودند و با پوهنتون غزنی همکاری بی دریغ و دلسوزانه کردند. در ضمن استاد فرید حسرت، استاد احمد علی (مهراد)، استاد الله محمد هخاند، استاد محمد عمر، زلمی یخیل، احمد رضا، استاد مهدی، محمد کاظم، یاسین آسی، نعمت فریسا، استاد حبیب الله کاشفی، حبیب الله همایون، محمود یکی بعد دیگری در آسمان پوهنتون غزنی طلوع نمودند. نخستین مدیر اداری پوهنتون میر محمد شفیق بود که بامن یکسال در امور پوهنتون همکاری نمود و بعداً در اثر شکایتی که تعدادی از استادان ناراضی به مقام ولایت و وزارت نمودند ناگزیر پوهنتون را ترک کرد.

بعد از او استاد حیات الله غفرانی به حیث دومین مدیر اداری پوهنتون از ریاست معارف غزنی به پوهنتون غزنی تبدیل گردید.

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

در سال نخست توانستم (۱۲) استاد جدید را در دو پوهنځي تعليم و تربيه و زراعت غزني جذب كنم. پوهنځي تعليم و تربيه در سال اول دو ديپارتمنت (رياضي ودری) داشت. و محصلان پوهنځي زراعت دو سال عمومي ميخواندند. استادان همه فارغان جديد پوهنځي هاي (جلال آباد، گرديز، پوهنتون هاي كابل و باميان استند. همه جوان كه در دوران سي سال جنگ بزرگ شده اند اما تعداد زيادي از آنها استادان لايق مي باشند كه ميتوانند نام نيك را براي غزني كمابي نمايند.

تنها از آن جمله يكتن از آنها ماستر و داراي سابقه كاري (۲۵) سال است كه من وي رابعدا بحيث معاون علمي پوهنتون غزني (بعد از منظوري مقام وزارت) مقرر كردم. موصوف (محمد رحيم نورزي) است كه دو ديپلوم ماستري در رشته هاي تعليم و تربيه و ديپلوماسي دارد. زمانيكه غرض امور رسمي به كابل مي رفتم وي را سرپرست پوهنتون غزني تعيين مي كردم. در سال ۱۳۸۷ دو فرد مسلح مخالف دولت در صحن پوهنتون غرض ترور كسي آمده بودند كه در پارک حكيم سنایی رح (پيشروي تعمير پوهنتون يكتن شان دستگير گرديد و دومي فرار كرد. محصلان مدتي ازين سبب وحشت زده بودند.

نخستين كار مهمي كه كردم آن بود كه سند ملكيت پنجد جريب زمين پوهنتون غزني را بعد از توشيح رئيس جمهور (حامد كرزي) و تاييدي وزارت زراعت و حدود ۱۵۰۰۰ جلد كتاب را از مقام وزارت تحصيلات عالي، رايزني فرهنگي ايران و تيم بازسازي غزني بدست آوردم و در سال ۱۳۸۸ كتابخانه پوهنتون و بعداً "آي تي" انترنت پوهنتون را افتتاح كردم تا محصلان بتوانند از آن ها استفاده كنند. جاويد احساس استاد با احساس مدير افتخاري "آي تي" بود بعد از وي فريد درمل و اسدالله ترين اين وظيفه را اجرامي نمودند. از آن پس جوان مستعد وحيدالله عمريار مدير "آي تي" تعيين گرديد. طی ۴ سال مجموعه كتابها به ۴۰ هزار جلد رسيد. در سال ۱۳۸۸ سه صد محصل ديگر بر تعداد قبلي افزود گرديد و ديپارتمنت هاي (پشتو، عربي و بيولوژي) را در پوهنځي تعليم و تربيه ايجاد كردم كه تعداد ديپارتمنت هاي آن پوهنځي به پنج ديپارتمنت توسعه يافت. در سال هاي بعد ديپارتمنت هاي كمپيوتر ساينس و انگليسي هم زينت بخش پوهنځي تعليم و تربيه گرديد.

در سال ۱۳۸۸ هـ ش استاد محمد ياسين را به حيث رئيس پوهنځي تعليم و تربيه بعد از طی مراحل رسمي تعيين نمودم و استاد شفيق الله وردك را به حيث رئيس پوهنځي زراعت منصوب كردم. از آن پس محمد كاظم و بعد استاد زلمي خيل به حيث رئيس تعليم و تربيه تعيين گرديدند. بعداً استاد همايون و استاد محمود همت يكي پي ديگر بحيث رئيس پوهنځي زراعت اجرائي وظيفه نمودند.

در سال ۱۳۸۸ هـ ش از تعمير قبلي به پلان سه نقل مكان كرديم و كاخ شكوه مندي را به كرايه گرفتيم. در سال ۱۳۸۹ به تعمير چهارمنزله كه هر منزل آن ۱۹ اتاق و چهار تشناب عصري داشت نقل مكان كرديم. شيبها از تشويش اين كه پوهنتون را كسي نسوزاند يا اموالش راسرقت نكنند، يا موترها و جزراتورهاي گرانبهاي آنرا نسوزانند، خوابم نمي برد. زيرا اين كاخ مجلل ديوار احاطه نداشت و تعمير نظير اين پيدانميش. درين سال چهارصد محصل ديگر بر تعداد قبلي افزوده شده بود.

در سال ۱۳۸۹ دو ديپارتمنت (اگرونومي، هارتيكلچر) در پوهنځي زراعت ايجاد شد. بعدها ديپارتمنت اقتصاد زراعتي تاسيس گرديد.

تعداد كل محصلان	تعداد اناث	تعداد ذكور	سالهاي فعاليت
۱۱۱	۱۴	۹۷	سال اول تاسيس ۱۳۸۷
۱۶۲	۳۱	۱۳۱	سال دوم ۱۳۸۸
۲۰۰	۳۲	۱۶۸	سال سوم ۱۳۸۹
۴۵۰	۷۰	۳۸۰	سال چهارم ۱۳۹۰

در سال ۱۳۹۰ به تعداد ۶۵۰ محصل ديگر به پوهنتون غزني معرفي شد كه تعداد محصلان در حدود ۱۳۵۰ نفر مي رسيد. طی چهار سال دوبلاک سه منزله شكوه مند و زيباي (تدريسي و ليليه) رادر پوهنتون غزني به بهره برداري سپردم و يك بلاک چهار منزله ديگر را به قيمت يك مليون دالر آماده تعمير نمودم كه در بهار سال ۱۳۹۱ كار اعمار بلاک ۴ منزله آغاز گرديد. علاوه كار احاطه ديوار پنجد جريب زمين پوهنتون غزني ۵۰٪ تکميل گرديد.

د پانو شميره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همكاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه كړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دلپكني د ليكنيزي بني پازوالي د ليكوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليكنه له راليرلو مخكي په خير و لولي

۱۳ تن از استادان را غرض تحصیل ماستری و دکتورا به تاجکستان، هندوستان، مالیزیا، جاپان، کابل، معرفی کردم که تعدادی از آنها از خارج و داخل دیپلوم ماستری را اخذ نموده اند بخاطر ارتقای ظرفیت استادان؛ استادان پوهنځي ها در ورکشاپ ها و سمینار های که در کابل، جوزجان، گردیزوغزنی دایر گردید، اشتراک نمودند و سند فراغت اخذ کردند. همچنان مامورین پوهنتون در چندین سمینار و ورکشاپ بخاطر ارتقای ظرفیت شان معرفی گردیدند و سند فراغت گرفتند و همه شان به سیستم رتب معاشات تنظیم شدند.

بایان

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ